

A Strategic Initiative for Peaceful Constitutional Change in Iran

“Change Iran’s Constitution, Change Iran’s Future.”

March 14, 2026

Dear Mr. President,

For more than two weeks I have been writing to you regularly about one central strategic question regarding Iran.

Where is the real battlefield?

For many policymakers, the answer appears to be the Persian Gulf, the Strait of Hormuz, or the broader military balance in the Middle East.

But this assumption misunderstands the true foundation of the Ayatollahs’ power.

The battlefield is not the Persian Gulf.

The battlefield is Iran’s Constitution.

The Constitution of the Islamic Republic is the legal structure that protects the doctrine of Velayat-e Faqih and concentrates ultimate authority in the hands of an unelected cleric.

As long as this constitutional structure remains intact, the regime can survive sanctions, protests, and even military pressure.

But if this constitutional foundation collapses, the entire system of clerical rule collapses with it.

For more than twenty years, the Cyrus Force initiative has focused on a peaceful strategic solution based on this reality.

Our approach is simple and clear.

First, the international community should openly recognize that the Constitution of the Islamic Republic is the central obstacle to political freedom and stability in Iran.

Second, global policy should support the formation of a freely elected Constituent Assembly inside Iran so that the Iranian people themselves can rewrite their constitution and determine their future political system.

Third, smart sanctions should be directed specifically at the individuals and institutions responsible for maintaining the constitutional structure of clerical rule.

This strategy shifts the focus away from military confrontation and toward constitutional pressure.

Military conflict strengthens the regime's narrative of foreign threat.

Constitutional pressure weakens the regime at its foundation while empowering the Iranian people.

Inside Iran, political discourse is already moving in this direction. The Green Movement, the Statement of Fourteen Political Activists, and the Woman, Life, Freedom movement have gradually pushed the national conversation toward a fundamental realization:

Iran's crisis cannot be solved without rewriting the Constitution.

The Iranian people have experienced two revolutions in the past century. They will not repeat the same mistake a third time by choosing a ruler first and writing a constitution afterward.

That responsibility must belong to a freely elected Constituent Assembly representing the Iranian nation.

Mr. President, the battlefield must be changed.

Instead of focusing on military confrontation, international policy should focus on the constitutional foundation of the regime itself.

A peaceful constitutional transition in Iran would not only prevent another devastating conflict in the Middle East. It would also allow the Iranian people to achieve freedom without another destructive revolution.

If the Constitution of the Ayatollahs falls, the entire regime will fall with it.

And the Iranian people will remember that America helped them win their freedom without firing a single shot.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra

[www.CyrusForce.org](http://www.CyrusForce.org)

ابتکار راهبردی برای تغییر مسالمت‌آمیز قانون اساسی در ایران

«قانون اساسی ایران را تغییر دهید، آینده ایران را تغییر دهید»

چهاردهم مارس 2026

جناب آقای رئیس‌جمهور،

بیش از دو هفته است که به طور منظم درباره یک پرسش راهبردی اساسی در مورد ایران برای شما می‌نویسم.

میدان واقعی نبرد کجاست؟

برای بسیاری از سیاست‌گذاران، پاسخ ظاهراً خلیج فارس، تنگه هرمز، یا توازن گسترده‌تر نظامی در خاورمیانه است. اما این فرض، بنیان واقعی قدرت آیت‌الله‌ها را به‌درستی درک نمی‌کند.

میدان نبرد خلیج فارس نیست.

میدان نبرد قانون اساسی ایران است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ساختار حقوقی‌ای است که دکترین ولایت فقیه را محافظت می‌کند و قدرت نهایی را در دست‌ان یک روحانی انتخاب‌نشده متمرکز می‌سازد.

تا زمانی که این ساختار قانون اساسی پابرجا بماند، رژیم می‌تواند تحریم‌ها، اعتراض‌ها و حتی فشارهای نظامی را نیز تحمل کند.

اما اگر این بنیان قانون اساسی فرو بریزد، کل نظام حاکمیت روحانیت نیز همراه با آن فرو خواهد ریخت.

بیش از بیست سال است که ابتکار سایروس فورس بر پایه همین واقعیت، بر یک راه‌حل راهبردی مسالمت‌آمیز تمرکز کرده است.

رویکرد ما ساده و روشن است.

نخست، جامعه بین‌المللی باید آشکارا به رسمیت بشناسد که قانون اساسی جمهوری اسلامی مانع اصلی آزادی سیاسی و ثبات در ایران است.

دوم، سیاست جهانی باید از تشکیل یک مجلس مؤسسان منتخب آزاد در داخل ایران حمایت کند تا مردم ایران خود بتوانند قانون اساسی خود را بازنویسی کرده و نظام سیاسی آینده کشورشان را تعیین کنند.

سوم، تحریم‌های هوشمند باید به‌طور مشخص متوجه افرادی و نهادهایی باشد که مسئول حفظ ساختار قانون اساسی حاکمیت روحانیت هستند.

این راهبرد، تمرکز را از روی تقابل نظامی به سمت فشار قانون اساسی منتقل می‌کند.

درگیری نظامی، روایت رژیم از «تهدید خارجی» را تقویت می‌کند.

اما فشار قانون اساسی، رژیم را در بنیان آن تضعیف می‌کند و در عین حال مردم ایران را توانمند می‌سازد.

در داخل ایران، گفتمان سیاسی هم‌اکنون در همین مسیر در حال حرکت است.

جنبش سبز، بیانیه چهارده فعال سیاسی، و جنبش زن، زندگی، آزادی به‌تدریج گفت‌وگوی ملی را به سوی یک واقعیت بنیادی سوق داده‌اند:

بحران ایران بدون بازنویسی قانون اساسی حل نخواهد شد.

مردم ایران در یک قرن گذشته دو انقلاب را تجربه کرده‌اند.

آن‌ها بار سوم همان اشتباه را تکرار خواهند کرد که ابتدا یک حاکم را انتخاب کنند و سپس قانون اساسی بنویسند.

این مسئولیت باید به یک مجلس مؤسسان منتخب آزاد که نماینده ملت ایران باشد، سپرده شود.

جناب آقای رئیس‌جمهور، میدان نبرد باید تغییر کند.

به جای تمرکز بر تقابل نظامی، سیاست بین‌المللی باید بر بنیان قانون اساسی رژیم تمرکز کند.  
یک گذار مسالمت‌آمیز قانون اساسی در ایران نه تنها از یک درگیری ویرانگر دیگر در خاورمیانه جلوگیری خواهد کرد، بلکه به مردم ایران اجازه خواهد داد بدون یک انقلاب مخرب دیگر به آزادی دست یابند.  
اگر قانون اساسی آیت‌الله‌ها فرو بریزد، کل رژیم همراه با آن فرو خواهد ریخت.  
و مردم ایران به یاد خواهند داشت که آمریکا بدون شلیک حتی یک گلوله به آن‌ها کمک کرد آزادی خود را به دست آورند.  
با احترام،

سهراب چمن‌آرا

سایروس فورس امریکا - پیروان کوروش ایران